

سرسخن

بر آنیم که سرسخن این شماره را به دستاورد عظیم جنبش کارگری در به ثمرنشستن تلاش مستمر کارگران پیشرو و انجمنهای فعال کارگری در داخل و خارج کشور و نیز حمایتهای بین المللی اختصاص دهیم که چگونه مراسم سقز بهانه ای شد برای ابرازخشم رژیم از موفقیت دو تن از نمایندگان کارگران در برقراری ارتباط با هیات کنفدراسیون اتحادیه های آزاد کارگری و بیان مشکلات طبقه ی کارگر. بلافاصله پس از دستگیری حدود ۴۰ نفر از فعالین کارگری کمپینی برای اعتراض به این اقدام تلافی جویانه ی حکومت بر راه افتاد و آزادی بی قید و شرط دستگیرشدگان را خواستار شد و سرانجام پیروزی بزرگی نصیب جنبش کرد.

بقیه در صفحه ۳

کمونیسم و «حزب کمونیست کارگری»

برخی از جوانان سوسیالیست انقلابی سؤال کرده اند که تفاوت «سوسیالیست های انقلابی» با «حزب کمونیست کارگری» در چیست؟ و چرا سوسیالیست های انقلابی به این حزب نمی پیوندند تا جبهه کمونیستی و ضد سرمایه داری میان کارگران و جوانان کمونیست تقویت گردد؟

بقیه در صفحه ۴

کمیته های کارگری راه کار نوین مبارزه طبقاتی

کارگران ایران همچنان مورد هجوم معیشتی قرار دارند. هیچ چیزی یا کسی مانع اخراج ها نیست، بیکارسازی ها تحت عناوین مختلف به بهانه های مختلف با تصویب قوانین متنوع همچنان ادامه دارد. روز به روز از کارگران استخدامی کم شده و به کارگران قراردادی و پیمانی اضافه می شود. استثمار کارگران بی شرمانه به شیوه های برده داری ادامه دارد. هر آنچه که از ستم مضاعف به کارگران و خانواده هایشان بگوییم کم گفته ایم. ما کارگران هر روز در واحدهای تولیدی خود به طرق مختلف با گوشت و پوست خود آنرا لمس می کنیم و از یکدیگر می پرسیم تا کی؟ تا چه وقت؟ تا چه اندازه ای غارت خواهیم شد؟ سرمایه کی هجوم خود را متوقف خواهد کرد؟ به یکدیگر نگاه می کنیم و به دنبال چاره هستیم. همه می دانیم به جز اتحاد، به جز جمع شدن، به جز متشکل شدن هیچ کس یا چیزی و یا معجزه ای ما را نجات نخواهد داد و نیز می دانیم غارت ما را پایانی نیست، آنان به کمین نشسته اند که فرزندان ما را با قراردادهای یک ماهه و سفید امضاء و روزمزد به بردگی وادار کنند.

بقیه در صفحه ۵

صفحه ۴

شعر

جوان سوسیالیست

نشریه اتحادیه جوانان سوسیالیست انقلابی ایران

سردبیر: رزا جوان

roza_javaan@fastmail.fm

شماره ۱۵
۱۰ خرداد ۱۳۸۸

به مناسبت اول ماه مه

برنامه اقدام کارگری

طرح پیشنهادی

برنامه و سیاست های دولت ایران، برنامه ای برای اقدام سرمایه داری است. هدف آنان حراست و حفاظت از نظام سرمایه داری و احیاء روابط نزدیک با سرمایه داری جهانی است. نقشه آنان اعمال استثمار مضاعف بر طبقه کارگر و زحمتکشان ایران است. قصد آنان اخذ ارزش افزوده و انباشت ثروت از طریق خرید نیروی کار زحمتکشان به بهایی ارزان تر از ارزش واقعی آنست.

بقیه در صفحه ۲

کمونیست در ژاپن

صفحه ۶

مستحکم باد پیوند جنبش دانشجویی با جنبش طبقه کارگر!

زنده باد سوسیالیسم!

اتحادیه جوانان سوسیالیست انقلابی ایران

<http://www.javaan.net>

برنامه اقدام کارگری

بقیه از صفحه ۱



در تقابل با برنامه آشکار و پنهان سرمایه داران برای استثمار کارگران، ضروری است که زحمتکشان نیز برنامه اقدام خود را داشته باشند. برنامه ای که آنان را برای مقابله روزمره با دولت سرمایه داری آماده کرده و شرایط را برای استقرار حکومت کارگری آماده کند. اکنون با پیوند آشکار نظام سرمایه داری جهانی با دولت سرمایه داری ایران؛ کلیه قشرهای استثمارشونده جامعه: کارگران؛ زحمتکشان؛ ملیت های تحت ستم؛ جوانان مبارزو زنان مبارز، می توانند برنامه اقدامی که آنان را زیر یک پرچم واحد ضد سرمایه داری و برای مبارزات روزمره ضد سرمایه داری گرد آورده و متحد کرده؛ تدوین کنند. مفاد این برنامه می تواند متکی بر مطالباتی باشد که از آگاهی کنونی قشرهای تحت ستم آغاز شده و آنان را برای مقابله روزمره با سرمایه داری تا سرحد کسب حکومت کارگری؛ رهنمود دهد.

کارگران و زحمتکشان می توانند پیرامون مفاد این برنامه؛ مبادرت به خود سازماندهی کرده و در هر حوزه مبارزاتی با معرفی نمایندگان واقعی خود، وارد صحنه عمل گردند.

سازمانیابی کارگری

کارگران ایران تنها با اتکاء به نیروی خود و از طریق مبارزات، سیاست و برنامه مستقل خود قادر به دست یابی به حقوق خود خواهند شد. کارگران می باید تحت هر وضعیتی خود را سازمان داده و با ابزار مبارزاتی خود علیه رژیم سرمایه داری مقاومت کنند. قدرت تصمیم گیری در مورد سرنوشت کارگران هیچگاه نباید به این و یا آن نیرو و یا رهبران و سیاستمداران دولتی واگذار شود.

پیروزی نهایی هر حرکت اجتماعی تنها با مبارزه مستقل توده ها و سازماندهی مستقل این اقدام تضمین خواهد شد. شکل های نهادهای کارگری که توسط خود پیشگام کارگری سازمان یابد در تحلیل نهائی پاسخگوی نیازهای آنان خواهد بود. نهادهایی که می تواند توده ها و یا پیشروی آنان را بطور دموکراتیک و جدا از هرگونه افتراق حول مبارزات مشخص و عملی علیه دولت سرمایه داری بسیج کند.

محافل مخفی کارگری

پس از انقلاب بهمن ماه ۱۳۵۷، با افزایش فشارها علیه کارگران و زحمتکشان و تغییر تناسب قوا به ضرر کارگران، تشکل های مشخصی بر اساس نیاز مبارزاتی کارگران پیشگام در مراکز صنعتی توسط محافل کارگری مبارز شکل گرفت. این شکل از تشکل مستقل کارگری، محافل مخفی کارگران پیشرو بوده است.

محافل مخفی کارگری که متناسب با تجربیات مبارزات شورانی دوره قبل از قیام و در تداوم آن شکل گرفت و توسط پیشگام کارگری (مبارزینی که به اتکای تجربه انباشت شده گذشته به درک تکالیف روزمره و مسائل سازماندهی مبارزه دست یافته و در اکثر اوقات جدا از گروه ها و سازمان های مدافع طبقه کارگر و روشنفکران) سازمان یافته اند.

گسترش و هم آهنگ کردن فعالیت های این محافل و کمیته های عمل در درون یک تشکیلات سیاسی، ابتدا در سطح ملی و سپس در سطح سراسری ضامن پیروزی نهائی طبقه کارگر علیه سرمایه داری است. وظایف این کمیته ها سازماندهی کلیه جوانب فعالیت های

کارگری است (سازماندهی اعتصاب، تحریم نهادهای دولتی، مبارزات اقتصادی و صنفی و غیره).

شوراهای کارگری

در وضعیت اعتلای جنبش کارگری، شوراها در هر شهر و هر روستا می توانند؛ از طریق انتخابات نمایندگان کارگران و زحمتکشان؛ ایجاد گردند و بر کلیه امور منطقه خود نظارت کنند. وحدت کمیته های کارخانه، محلات، سربازان، بیکاران، روستائیان و کلیه زحمتکشان پایه های اصلی شوراها را بنیاد می گذارند. این نهاد اولیه برای تشکیل حکومت کارگران و زحمتکشان است. شوراها محدود به برنامه خاص یک حزب و یا یک گروه نمی باشند. درهای شوراها بر روی کلیه استثمار شدگان و یا نمایندگان منتخب آنان باز است. تمام گرایش های سیاسی قادر به شرکت در شوراها هستند.

گرچه پس از تهاجم به دستاوردهای جنبش کارگری، چشم انداز شکل گیری سازمان های دائمی توده ای طبقه کارگر غیر محتمل گشته است، اما در شرایط اعتلای مجدد جنبش کارگری، سازمان های دموکراتیک توده ای می توانند سریعاً احیاء گردند. کارگران مبارز خود را برای تشکیل چنین وضعیتی از هم اکنون آماده می کنند.

اعتصابات دوره قیام بوضوح نشان داد که چرخ های جامعه را خود کارگران می چرخانند. کارگران و زحمتکشان، خود قادر به تعیین سرنوشت خویش هستند.

در مقابل قدرت متمرکز سرمایه داران، لازم است که توده محروم و ستمدیده جامعه قدرت متشکل خود را سازمان دهد و مبارزات خود را هم آهنگ کرده و مستقلاً تصمیمات مربوط به امور خود را بگیرد. چنین عملی صرفاً از طریق اتحاد وسیع زحمتکشان در سازمان های مستقل توده ای، یعنی شوراها، امکان پذیر است.

اتحادیه های مستقل کارگری

همانند شوراها، اتحادیه های کارگری نیز در دوره اعتلای انقلابی شکل واقعی به خود می گیرند. اتحادیه های مستقل کارگری یکی از ابزار دائمی جنبش توده ای است. اتحادیه های مستقل کارگری

سر سخن

بقیه از صفحه ۱

طلبه. مضحک تر از نمایشگاههای کارآفرینی دیده اید؟

هدف به ظاهر ایجاد اشتغال برای هزاران بیکاری است که بر جمعیتشان به طرز تصاعدی افزوده می شود. اما تماما از غرفه های تشکیل شده اند که کالاهای فروش نرفته ی شرکتهای خصوصی همچون لوازم آرایش تاریخ مصرف گذشته، مواد غذایی فاقد کیفیت، لوازم خانگی غیر استاندارد و... را به فروش می رسانند.

در یکی از این بازارهای مکاره، غرفه ای بود که دیوارهایش را با شعارتکان دهنده ای تزئین کرده بودند:

"قانون کار، بزرگترین سد اشتغال زایی"

مگر نه این که ما خود نتیجه ی تعدیل در این قانونیم؟ قراردادهای چندماهه می بندیم و ساعتها بردگی می کنیم، بی آن که امنیت شغلی داشته باشیم؟ بی آن که دستمزد ناچیزمان کفاف مخارجمان را دهد تا بتوانیم آن گونه که حق یک انسان است زندگی کنیم؟

"آزاد علیزاده" را هر که به یاد نداشته باشد، ما کارگران از خاطر نبرده ایم. فرجام او نه افسانه بلکه واقعیت تلخی است که می تواند پایان کار هر کارگری باشد. با توجه به این که اخیراً کارگران بافکار طی یک هفته دو بار تکرار آن خودکشی شوم را شاهد بودند آیا می توان از تاثیر روانی چنین حوادث اسف باری بر سایرین چشم پوشی کرد؟ دستگاه عریض و طویل روانکاوان نظام سرمایه چه تخطیری برای حل این بحران تجویز می کند؟ هیچ! جان میلیونها انسان از طبقه ی ما در برابر سود سرمایه چنان بی ارزش است که اگر تمامی بافکار هم از طنابهای دار پر شود آب از آب تکان نمی خورد. اسلحه هایی که دیروز کارگران خاتون آباد را به جرم تحصن برای احقاق حق خود نشانه رفتند امروز فارغند چراکه این پارمرگ به دست خود نیروی کار بر دار زندگی گره می خورد.

گرچه جوانیم و بی تجربه اما اینک که پیروزی پر ارزشی در کارنامه ی جنبش می درخشید، شرایط شکل گیری نطفه های

آزادی دستگیر شدگان مراسم یک مه سفز، شور و شوقی وصف ناپذیر در ما پدید آورد. در حالی که بسیاری به ویژه ما کارگران جوان در آغاز تهیه کمپین امید چندانی به موثر بودن آن نداشتیم. چراکه بی تجربه بودیم و بدگمان به پتانسیل پویای طبقه ی خود.

انقلاب ۵۷، شوراهای کارگری و اعتصابات سراسری را ندیده ایم. ما آن نسلیم که درخفقان حکومت آخوندی و سبعت آن رشد کرده و جز و ازگون حقایق به او نیاموخته اند. حتی زنجیرنقل سینه به سینه هم درمیانه ازهراس دستگاه جاسوسی رژیم پاره گشته است و از همه سودر محاصره ی کذبیت قرار گرفته ایم و این میان چه فلج کننده است، یاسی که دشمن بردلهای ما می نشاند.

در این آشفتگی که ما با گرسنگی، بی خانمانی و هزارمصیبت دیگر دست به گریبانیم، در شرایطی که با امضای قراردادهای تحمیلی آزادیمان را به نان بخور نمیری می فروشیم و کابوس بیکاری خوره ی جانمان است، حکومت آخوندی مدام برتومار قوانین ضد ما می افزاید و استعمارمان را قانونی می کند. آن گاه برای فریبمان بلندگوهای سرمایه رسالت مقدسشان را آغاز و شبانه روز گوشمان را از جاودانگی مهربردگی برپیشانی طبقه کارگر پر می کنند. مسجد، مدرسه، تلویزیون، رادیو و قلم جیره خواران نظام در روزنامه ها، مجلات و کتابها ابزاری می شود برای مسخ ذهن معترض ما.

آیه هایی که با سود جستن از زبانه های سوزان جهنمی خیالی، جوی شیر و غسل و حوریان باکره ی بهشتی ما را به امانت داری، به درستکاری و فشردن دستاتی که هزاره هاست در سلطه شان له شده ایم پند می دهند. تخته سیاه هایی که پر شده اند از رونویسی تئوریهای پوسیده ی نظام سرمایه و علمی را که باید در خدمت بشریت باشد مسخران می کنند. اخبار کذب رسانه ها که بر بهبود اقتصاد کشور پافشاری می کنند و همایشهایی که با عنوان اشتغال زایی بودجه های کلان کشور را به نفع برگزارکنندگانی می بلند که استمرار سودشان اشتغال زدایی را می

چه در دوره استیلای دولت سرمایه داری و چه در دوره استیلای قدرت کارگری ضرورت خود را حفظ می کنند. اما، ایجاد اتحادیه های کارگری الزاماً یک مرحله اجتناب ناپذیر در رشد جنبش کارگری نیست. در شرایطی شوراهای می توانند پیش از اتحادیه های ساخته شوند. کارگران پیشرو در تشکیل اتحادیه های مستقل کارگری پیش قدم شده و تشکیل آنان را تسریع می کنند. اما اتحادیه های کارگری نیز همانند شوراهای کارگری نیز یک نهاد سیاسی- صنفی هستند نه صرفاً صنفی (انحراف سندیکالیستی).

اتحادیه های کارگری بدون در نظر گرفتن عقاید سیاسی و مذهبی، ملیت، نژاد و جنس، کلیه کارگران را برای مبارزه متحد در دفاع از منافع و خواست های خود زحمتکشان سازمان می دهد. اتحادیه های مستقل کارگری تنها از بطن مبارزه و توسط خود زحمتکشان شکل می گیرند.

حزب کارگران فعال ضد سرمایه داری سندیکاهای کارگری غیر مستقل در جوامع سرمایه داری توسط نهادهای متشکل مانند احزاب سرمایه داری سازمان یابی می گردند. در ایران نیز احزایی وجود دارند که به مثابه ستون فقرات انجمن های اسلامی، شوراهای اسلامی و خانه کارگر بوده اند. در آینده نیز حزب سرمایه داری دیگری در مقام ستون فقرات سندیکاهای که با همکاری سازمان بین المللی کار در شرف سازماندهی هستند؛ قرار خواهد گرفت.

مطالبه تأسیس یک تشکل مستقل کارگری ضد سرمایه داری؛ اگر قرار باشد از سطح تبلیغاتی خارج شده و جنبه عملی به خود گیرد، باید با تشکیل یک ستون فقرات مرتبط به آن، پیوند خورد. این ستون فقرات «حزب کارگران فعال ضد سرمایه داری» است. به سخن دیگر کارگران ضد سرمایه داری نیز، همانند سرمایه داران، باید مجهز به حزب خود باشند و این نهاد ستون فقرات تشکل مستقل کارگری ضد سرمایه داری را شکل می دهد. چنانچه این ستون فقرات وجود نداشته باشد؛ یا تشکل مستقل ضد سرمایه داری شکل نمی گیرد و تنها در حد یک شعار غیر عملی باقی می ماند؛ یا چنانچه شکل گیرد، پس از دوره کوتاهی زیر فشار نیروهای متخاصم به انحراف می رود. ادامه دارد...

حزب مهیا شده است، کارگران پیشرو بر لزوم پیگیری مطالبات خود متفقند. ما جوانان سوسیالیست بر ضرورت آموختن مارکسیسم- تنها سلاح تئوریک انقلاب کارگری- و به دنبال آن پراتیک پی می بریم. کارگران قدیمی پلی هستند بر گذشته ی مبارزه ی طبقه کارگروما به نوبه خود در فردایی نزدیک، این مسیر ناگسستگی را به نسل پس از خود پیوند می زنیم. پس بیایید در زیر درفش مارکسیسم خود را برای اتحاد عمل و سازماندهی انقلابی متحد کنیم.

اتحادیه جوانان سوسیالیست ایران
رزا جوان- ۱۰ خرداد ۱۳۸۳

شعر

صدای سرد سکه
و بوق ممتد

انگشتم نشانه می رود
هفت
هشت
هفت
مکت
هشتصد و هفتاد و هشت
مکت
و در آخر باز هفت
سکوت
شماره ای
بر پاره ورق
آگهی می کند امید
یافتن کار را
کسی به باجه می زند
برمی گردم
پشت سر
آدمها تا آن انتها
تا آخر این خیابان
و شاید سراسر شهر
ورق پاره به دست
صاف بسته اند
"بوق اشغال"
نکند تمام دنیا
در انتظار یک شماره اند؟

رزا جوان
۱۳۸۲/۲/۷

کمونیسم و

«حزب کمونیست کارگری»

بقیه از صفحه ۱

این سوال بسیار به جایی است. برای توضیح این جدایی سیاسی و تشکیلاتی باید به مفهوم اساسی از مارکسیزم بازگشت. لنین زمانی گفت که: «مارکسیزم قدرت مند است؛ زیرا واقعیت دارد». به سخن دیگر واقعیت اینست که حل ریشه ای ناهنجاری ها؛ بحران ها، نابسامانی در جامعه سرمایه داری تنها توسط مارکسیزم قابل بررسی و حل است. مارکسیزم به مثابه سلاح نظری و تئوریک طبقه کارگر و کلیه زحمتکشان؛ به توضیح جامعه سرمایه داری پرداخته و راه حل واقعی را برای میلیون ها تن از زحمتکشان سراسر جهان ارائه می دهد.

در محور این واقعیت مسئله قدرت دولتی نهفته است. مارکسیزم بر این اعتقاد استوار است که تا زمانی که طبقه کارگر به کسب قدرت سیاسی نایل نیاید؛ مسایل و انحرافات جامعه بورژوایی کمکان، همانند پیش، ادامه خواهد یافت. «اصلاحات» یا «رفرم» تنها پاسخ های موقتی و تزئینی برای حل مشکلات جامعه است؛ و نه راه حل اساسی. کسب قدرت دولتی هم می باید توسط پرولتاریا و نهادهای متشکل و دموکراتیک آن، شوراهای کارگری، صورت پذیرد و نه احزاب خود- ساخته «کمونیستی» و یا شخصیت های «معروف» سیاسی و یا چهره های رادیو تلویزیونی و اینترنتی!

از اینرو در محور مارکسیزم انقلابی مسئله کسب قدرت سیاسی و تشکیلاتی دیکتاتوری انقلابی پرولتاریا؛ نهفته است. گرایش ها و احزاب با هر پسوندی (کمونیست، کارگری؛ انقلابی و غیره) که این اساس بنیادین مارکسیزم را از برنامه و تبلیغات خود حذف کرده و عملاً آن را رها کرده، در صف جبهه مارکسیزم انقلابی و در نتیجه در جبهه طبقه کارگر قرار نمی گیرند. گرایش هایی که این نظریات بنیادین را به عنوان نظریات «کهن» معرفی می کنند؛ گرچه امروز در جبهه «اپوزیسیون چپ» قرار گرفته؛ اما در نهایت با سرمایه داری همسویی کرده و به طبقه کارگر پشت خواهند کرد.

«حزب کمونیست کارگری» همانند بسیاری از گرایش های ظاهراً «کمونیست»ی و در واقع مماشات جو؛ اساس انقلاب سوسیالیستی و تسخیر قدرت توسط کارگران و تشکیل دیکتاتوری انقلابی پرولتاریا را از برنامه و اهداف خود حذف کرده است. این حزب همانند بسیاری از احزاب «خرد بورژوا» (در کردار) و «رادیکال» (در گفتار) اساس فعالیت خود را بر محور فعالیت های دموکراتیک و ضد استبدادی سازمان داده و حزب خود را جایگزین طبقه کارگر کرده و به جای کارگران و به مثابه قیم شان؛ خواهان تسخیر قدرت سیاسی شده است! حرکت ها پر جنجال و خالی از محتوای این حزب با در دست داشتن امکانات مالی سرشار و استفاده از رادیو و تلویزیون ها؛ چنین اهدافی را دنبال می کند. این حزب نقش محوری کارگران پیشرو را نادیده می گیرد و از آنها به عنوان «کارگران از رمق افتاده» که نیاز به ناجی دارند؛ می برد. در اینجا صرفاً به دو نمونه اخیر از شیوه «دخالگری» این حزب در تجمعات کارگری اول ماه مه ۱۳۸۳ اشاره می شود.



کمیته های کارگری راه کار نوین مبارزه طبقاتی

بقیه از صفحه ۱



شوراهای اسلامی کار را تجربه کردیم و دیدیم که شوراهای اسلامی کار بازوان پرتوان کارفرما ها شدند. نمایندگان واقعی مان را انتخاب کردیم به عناوین مختلف آنها را متهم، اخراج و از ما دور ساختند. انجمن های صنفی را به ما تحمیل کردند. اما حتی اساسنامه ای که خود نوشته بودند نپذیرفتند. اعتراض کردیم اخراجمان کردند، اعتصاب کردیم گفتند حرام است، جاده را بستیم ضد انقلاب شدیم، کارمان را خواستیم به گلوله بستند.

همگی معتقدیم که تنها و تنها با ایجاد تشکلهای مستقل می توان از وضعیت موجود نجات پیدا کرد. تشکلهایی که دولتی نباشند و جریانات سیاسی و احزاب نیز دخالتی در آن نداشته باشند. با توجه به وضعیت موجود چگونه می توان این تشکلهای را ایجاد کرد. دولت که آزادی ایجاد تشکل را به ما نمی دهد، سازمان جهانی کار نیز بازوی راست سرمایه جهانی است. ما کارگران هم آنقدر از هم دور هستیم و آن چنان درگیر نان روز مره که عملاً امکان ایجاد تشکل را نداریم. در این وضعیت گنجی و سردرگمی، نقش کارگران پیشرو پر رنگ تر می شود. ما مجبوریم وضعیت خودمان را در جایی که کار می کنیم سر و سامان دهیم. با کمترین نیرو با بیشترین نیرو در کارگاه ها و کارخانه ها، در پروژه ها در ساختمانها.

مرکز نقل و مرکز تعادل مبارزات کارگری در ایران در آینده در صنایع بزرگ معنی پیدا خواهد کرد. صنعت نفت، پتروشیمی، نساجی، خودروسازی، ماشین سازی، فولاد، معادن و غیره.

کارگری؛ به تبلیغ آموزش های مارکسیستی و ضد سرمایه داری و تقویت رهبری خود کارگران مبارز می کنند. حتی اگر کارگران امروز آماده نبوده و یا دچار اشتباه و لغزش سیاسی گردند. هدف اساسی مارکسیزم انقلابی پیشبرد مسایل طبقاتی همراه با سایر مطالبات محوری انتقالی، صنفی و دمکراتیک است. نقش کمونیست ها تنها افشا و اعمال فشار بر دولت سرمایه داری نیست؛ که تدارک برای سرنگونی قهرآمیز کل دولت سرمایه داری توسط نیروی پرقدرت کارگران و زحمتکشان است.

از اینرو پیوستن به و تقویت «حزب کمونیست کارگری» اشتباه محض است. جوانان سوسیالیست انقلابی نباید فریب ظاهر چنین احزاب خرده بورژوازی را بخورند. اختناق چند دهه در ایران افراد، تجارب و آثار مارکسیستی و انقلابی را محو و نابود کرده است. امروز مجدداً وضعیت برای احیاء مارکسیزم انقلابی فراهم آمده؛ و در چنین وضعیتی نباید اجازه داد که گرایش های انحرافی زیر لوای «کمونیسم» و «کارگری» از آب گل آلود ماهی بگیرند. جوانان سوسیالیست انقلابی بایستی متکی بر نیروی خود و در اتحاد با کارگران پیشرو بنیاد حزب پیشتر انقلابی را بریزند و به عوامفریبی های «حزب کمونیست کارگری» اعتماد نکنند. آغاز مبارزه نظری سوسیالیست انقلابی با «حزب کمونیست کارگری» به دو دهه پیش بر می گردد. در این جزوه مقالات اصلی سوسیالیست های انقلابی در نقد نظریات انحرافی این حزب در اختیار جوانان سوسیالیست انقلابی قرار می گیرد تا با مطالعه آن حد اقل با انحرافات این گرایش انحرافی و ضد مارکسیستی آشنا گشته و نقد نظری با آن را ادامه دهند.

م. رازی

Razi@kargar.org

۱۸ اردیبهشت ۱۳۸۳

کتاب کمونیسم و «حزب کمونیست کارگری» (منتخب مقالات م. رازی):

http://www.javaan.net/kargari_nashr/M_Razi/hkk/hkk.htm

در مراسم گلگشت به مناسبت برگزاری اول ماه مه که بیش از ۱۲۰۰ کارگر و خانواده هایشان در حال برگزاری مراسم بودند گزارش شده که: «...در حالی که در ساعت ۱۴/۴۵ دقیقه در حالی که مراسم در حال برگزاری بود دو تن از افراد گروه فشار موسوم به حزب کمونیست کارگری با در دست داشتن یک نایلون سبز رنگ وارد جمعیت شده و کاغذی را که ظاهراً قطنامه ای بدون امضا بود، بدون هماهنگی با مسولین برگزاری مراسم و بدون آنکه از قبل در جمع حضور داشته و یا کوچکترین نقش و ارتباطی با برگزار کنندگان مراسم داشته باشند، در بین جمعیت حرکت کرده و آن را در جیب افراد قرار دادند، پس از پنج دقیقه با یک دستگاه پیکان محل را ترک نمودند. این عمل آنان مورد اعتراض جمعی از شرکت کنندگان و مسولین مراسم واقع گردید.» (جمعی از کارگران شرکت کننده در مراسم خور جا ده چالوس ۸۳/۲/۱۵).

در مراسم اول ماه مه در تهران، جاده مخصوص کرج که بیش از ۳۰۰ نفر کارگر شرکت داشتند؛ گزارش داده شد که: «... لازم به یادآوری است که در پایان مراسم عده ای فرصت طلب از حزب کمونیست کارگری با به آشوب کشیدن سالن قصد برهم زدن مراسم را داشتند که با اعتراض برگزار کنندگان و حضار روبرو شدند. (گزارش اتحادیه جوانان سوسیالیست انقلابی ۱۲- اردیبهشت ۱۳۸۳). این سناریوهایی است که بارها در تجمعات خارج از کشور نیز از سوی این حزب تکرار شده است. (مشت نمونه خروار است).

این حزب واقعیات مبارزات طبقاتی را منعکس نکرده و از اینرو با مارکسیزم بیگانه است و نفوذی در میان کارگران پیشرو کمونیست ندارد. فعالیت اصلی این حزب علیه «مذهب» و «سکس آزاد» در خدمت جلب گرایش های خرده بورژوا و مستأصل جامعه است. در صورتی که نقش اصلی یک نیروی مارکسیستی مبارزه طبقاتی برای به قدرت رساندن طبقه کارگر باید باشد. سوسیالیست های انقلابی همواره در کنار کارگران قرار گرفته و با توضیح صبورانه واقعیت ها و بدون جار و جنجال و تحمیل خود و شخصیت های و «لیدر» های قلابی

ها را نقش بر آب می کنند. " کمیته های کارگری در ضدیت با نظام سرمایه داری اساسی ترین شیوه سازماندهی در مقابل نظام سرمایه داری یعنی شوراهای کارگری را در برنامه خود دارد. بخصوص در صنایع بزرگ که کارگران همیشه خواستار شورای مستقل بوده و هستند. کمیته های کارگری بستر ساز تشکلهای منتخب کارگران خواهند بود.

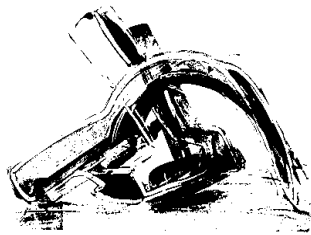
" کمیته های کارگری " توازن قوا را در عرصه مبارزات کارگران در آینده به نفع طبقه کارگر تغییر خواهد داد.

سینا جوان

۱۲ اردیبهشت ۱۳۸۳

قرانت شده در مراسم اول ماه مه در تهران - جاده مخصوص کرج

کمونیسم در ژاپن



میان کشورهای آسیایی، ژاپن را باید کشور صنعتی پیشرو به حساب آورد. بنابراین، آن کشور می توانست برای تلاش کمونیست جای امیدوار کننده ای باشد. شمار کارگران ژاپن، در پی گسترش روز افزون صنایع رو به فزونی بوده و تجمع و تمرکز آنان در کارخانه ها طبعاً به همبستگی و تشکل سازمانهای کارگری نیرومندی می انجامیده است. اتحادیه های کارگری ژاپن در آغاز، به همکاری بین کارگران و کارفرمایان باور داشتند و رهبران میانه رو آنان از دامن زدن مبارزات طبقاتی پرهیز میکردند. با این همه، به رغم ممنوعیت های سخت قانونی، کارگران پی در پی به اعتصاب دست میزدند.

پس از جنگ جهانی نخست، کم کم نفوذ سوسیالیسم ملهم از مارکسیسم، در اتحادیه های کارگری و نیز در میان دانشجویان دانشگاههای ژاپن گسترش یافت. نخستین نشانه آنرا می توان

اعتراض کنیم، این سازماندهی را کمیته های کارگری به عهده دارند. هیچ چیزی خارج از قدرت این کمیته ها نیست. " کمیته های کارگری " شکلی از عمل است در مقابل بی عملی و ناتوانی و گججی. " کمیته های کارگری " می توانند ارگان های خبری یک واحد تولیدی باشند و اخبار و گزارشات آن واحد تولیدی را به هر طریقی توسط هر رسانه ای و یا نوشته ای به کارگران دیگر و افکار عمومی اطلاع دهند و به موقع اطلاعات مورد نیاز را از بیرون و از شرایط اجتماعی گرفته به محل کار بیاورند. " کمیته های کارگری " مبتکر طرح های نوین اعتراضی هستند و خواهند بود، که کمتر کسی آسیب ببیند که تلفات کمتر باشد و برد اعتراضات بیشتر باشد. در واقع این طرح های نوین اعتراضی را سالیان اخیر در واحد های مختلف به عین دیدیم. از طومار نویسی و جاده بستن گرفته تا تحصن در جلو مجلس تا اعتصاب غذا و کنترل کارگری، همه این اعتراضات را که همگی شکل جدیدی از اعتراض بودند،

کمیته های کارگری سازمان دادند. این کمیته ها همیشه و در همه جا بوده و خواهد بود، که کارگران خوش فکر و فعال و پیشرو در آن حضور داشتند. در واقع باید برای " کمیته های کارگری " تعریف جدیدی با وظایف جدید تعریف کرد. این که این کمیته ها باید برای ایجاد تشکلات مستقل کارگری بستر سازی و فرهنگ سازی کنند. در واقع یکی از خواست های اساسی کمیته ها ایجاد تشکل های مستقل کارگری است که مطالبه ای سراسری است. وظیفه شناسایی و حفظ نمایندگان واقعی کارگران را همین کمیته ها به عهده دارند. کمیته های کارگری در سالهای قبل از سرنگونی حاکمیت قبلی در شکل کمیته های اعتصاب سازماندهی اعتصابات مهم را در نفت و صنایع بزرگ و کوچک به عهده داشتند، در واقع بستری فراهم کردند تا نقش کارگران در قیام مردمی به عنوان نقش حیاتی و ماندگار باشد و دیدیم در روند رشد خود تبدیل به شوراهای کارگری گشتند. ویژگی مهم و اساسی " کمیته های کارگری " اخلاص در نظم و سیستم و قلب نظام سرمایه داری است. کمیته های کارگری فقط برای مطالبات روزمره کار نمی کنند، بلکه در محلات کارگری در تحلیل شرایط اجتماعی در انتخابات و مسائل سیاسی روز بی تفاوت نیستند، کمیته ها ترفندهای نظام سرمایه داری برای خلع سلاح کارگران از تشکل

کارگران در صنایع مشابه مطالبات مشترک دارند. اعتراضات و اعتصابات، کارگران صنایع بدون ارتباط با یکدیگر حول مطالبات مشترک بدون نتیجه خواهد ماند. صنعت نساجی تقریباً در سراسر ایران وضعیت مشابهی دارد. یکی از دلایل که تا به حال اعتراضات کارگران در برابر تعطیلی، بیکارسازی و اخراج ناموفق مانده است، در عدم ارتباط آنها با یکدیگر است. ما در محل کار خود نیاز به مغز متفکری داریم که اعتراضات را به موقع سازماندهی کند، در مقابل اخراج مقاومت کند، علیه قراردادهای موقت اقدام کند، همه کارگران را درگیر مطالبات مشترک کند. ارتباط با صنایع مشابه داشته و ارتباطاتش را به شکل سراسری گسترش دهد. مغز متفکری که با تغییر شرایط محل کار و شرایط اجتماعی متغیر باشد. درست فکر کند، به موقع عمل کند، به موقع علنی باشد، در شرایطی مخفی باشد، اعتراضات کارگری را حول مطالبات مشترک سازماندهی کند.

در ایجاد این مغز متفکر کارگران پیشرو نقش محوری دارند. این چیزی نیست به جز " کمیته های کارگری "، تاکید می کنم کمیته های کارگری نه کمیته های کارخانه، از این جهت که متعلق به محل و جای خاصی نیست. هر جا که کارگر حضور دارد، کمیته های کارگری هستند. از جمع ۲ نفره گرفته تا بیشتر، از کارگاه ها گرفته تا صنایع، از یک کمیته تا کمیته های همسان و مشابه. " کمیته های کارگری " با توجه به نیازهای مبارزاتی روز کارگران هر واحد تولیدی از کنترل کارگری گرفته تا مقابله با اخراج، از سازماندهی یک سالن تولید گرفته تا سازماندهی یک صنعت از سازماندهی اعتصاب گرفته تا دخالت در امور اجتماعی در محلات کارگری، در ورزش کارگری، از صندوق های همیاری گرفته تا دخالت در تمامی عرصه های یک واحد تولیدی. " کمیته های کارگری " با سواد و بی سواد، با سابقه، کم سابقه و جوان و پیر نمی شناسد. وقتی در موقع استراحت و وقت چای و ناهار دور هم می نشینیم و در مورد امور کارخانه صحبت می کنیم، در واقع کمیته ای هستیم علنی. وقتی در گوش هم اعتراض به اخراج یکی از همکارانمان را از مزه می کنیم، شکلی از کمیته های مخفی را به نمایش گذاشته ایم. وقتی تصمیم می گیریم که خواستار مجمع عمومی باشیم و حول مسئله مشخص

همیستگی روشنفکران انقلابی با نهضت کوچک، ولی بالنده و نیرومند کارگری دانست که زمینه های نشر مارکسیسم و اندیشه چالشهای طبقاتی را مهیا می ساخت.

حزب کمونیست ژاپن رسماً در ژوئیه ۱۹۲۲ بنیاد گذاری شد و با برخورداری از آزادی سیاسی که در پی انتقال قدرت از سیاستمداران کهنسال سنتی، امرای پیشین ارتش به سیاستمداران آزادیخواه و استقرار نظام پارلمانی به وجود آمده بود، توانست به پیشرفتهایی نائل آید. آزادیهای یاد شده دیری نپایید و سروکار حزب کمونیست و کمونیستهای وفادار، با پلیس سنگدل و کارآمد ژاپن افتاد. در ژوئن ۱۳۲۳، اکثریت قریب به اتفاق رهبران کمونیست گرفتار خشونت‌های پلیس شدند و به زندان افتادند.

همزمان با آن بگیر و ببندها ف زلزله ای دهشتناک در توکیو رخ داد (اول سپتامبر ۱۹۲۳) و نابسامانیهایی را دامن زد که به نوبه خود فرصت تازه ای به دستگاههای امنیت و پلیس داد تا هر چه بیشتر به بازداشت و آزار کمونیست ها، چپگرایان و رهبران اتحادیه های کارگری بپردازند.

در آن هنگام که آینده کمونیسم در ژاپن تیره و مبهم می نمود برخی از رهبران حزب کمونیست بر آن شدند که حزب را موقتاً منحل کنند. سرانجام در بهار سال ۱۹۲۴ هنگامی که گروهی از رهبران از زندانها آزاد شده بودند، به رغم مخالفت کمینترن تصمیم به انحلال خود گرفت. حزب ظاهراً منحل شد، ولی تلاش کمونیست ها به صورت انفرادی و پراکنده ادامه یافت. همزمان، نفوذ کمونیسم از طریق ((شورای اتحادیه های کارگری ژاپن)) و ((حزب کارگران و دهقانان ژاپن)) پیوسته گسترش می یافت. این حزب بنابر تصمیم پنجمین کنگره کمینترن در اجلاس ژوئن ۱۹۲۴، در سال ۱۹۲۵ پایه گذاری شده بود.

هنگامی که نتیجه انتخابات عمومی فوریه ۱۹۲۸ (انتخاباتی که نخستین بار با آراء عمومی در ژاپن صورت گرفت) اعلام شد، نفوذ و قدرت قابل توجه احزاب و گروههای چپگرا و کمونیستها نمایان گردید. بنابراین دولت، مقامات امنیتی، شخصیتهای متنفذ نیرومند راست و سیاستمداران راستگرای ژاپن، درصدد برآمدند که از گسترش و نفوذ روزافزون آنها جلوگیری کنند. از این روی، برای رویارویی با کمونیستها و رهبران احزاب

و سازمانهای چپگرا بازداشت و یا زیر فشار پلیس قرار گرفتند.

اینگونه فشارها که گاهی با خشونت بیش از اندازه و کشتار همراه بود، نتوانست مانع تلاشهای پنهان کمونیستها شود، بویژه که رکود اقتصادی جهانگیر سالهای ۱۹۲۹-۱۹۳۳ و پیامدهای فلاکت بار آن، دوباره زمینه هایی را برای کوشش های انقلابی فراهم ساخت. در آن فرصت تاریخی، کمینترن در راستای برانگیختن افکار انقلابی و فشرده تر ساختن نیروهای کمونیست و گروههای چپگرای ژاپن به یک سلسله اقدامات گسترده دست زد، لیکن با شکست روبرو شد. پلیس با خشونت بی سابقه، تقریباً همه رهبران حزب را شناسایی نمود و در ماههای اکتبر و نوامبر ۱۹۳۲ آنان را بازداشت کرد. از آن پس تا سال ۱۹۴۵ حزب کمونیست فاقد هر نیرویی برای انجام عملیات بود.

در آن بخش از تاریخ کمونیسم جهانی و نیز با توجه به مقتضیات اقتصادی ژاپن کشوری که با عزم راسخ در راه پیشرفت صنعتی گام بر می داشت، ناکامی های کمونیست ها در آنجا، زمینه پر هیاهو برای پژوهشگران و فرضیه پردازان کمونیسم و انقلاب پرولتاریا فراهم ساخت. با این همه، چون کمینترن نمیتوانست دلیل شکست کمونیسم در ژاپن را تنها خشونت و سنگدلی پلیس قلمداد کند، ناچار می بایستی گونه ای توجیه مستدل برای آن شکست می یافت.

گروهی از صاحب نظران تندرو، بر این باور بودند که کاپیتالیسم ژاپن به مرحله انحصارگرایی امپریالیسم رو به انحطاط رسیده است؛ از اینرو آن کشور را برای تحقق انقلاب پرولتاریا مهیا مینداشتند. گروهی دیگر معتقد بودند که بازمانده های فنودالیسم مانع پیشرفت کاپیتالیسم ژاپن بوده اند، بنابراین آن کشور باید نخست از مرحله انقلاب بورژوا-دموکراتیک بگذرد.

رخدادهای شناخته شده در آن زمان و حقایق نهفته در فرآیند آن رویدادها به گونه ای جامع و مانع و به آسانی در هیچ یک از دو قالب مفروض یاد شده نمی گنجید. واقع امر این بود که در ژاپن یک کشور سرمایه داری صنایع بیشتر زیر کنترل انحصاری قرار داشت. در همان حال، تنها سرمایه داران نبودند که در گردش چرخ اداری تاثیر همه سویه داشتند بلکه عملاً گونه ای از بوروکراسی

(دیوانسالاری) کشوری- لشکری آن کشور را اداره می کرده است.

حقیقت این است که در ژاپن، ناسیونالیست های افراطی بیش از کمونیستها از بحران اقتصادی و رکود سالهای نخستین دهه ۱۹۳۰ و ناخرسندی همگانی و گسترده ای که به همراه داشت، بهره برداری کردند. درست هنگامیکه کمونیستها و روشنفکران چپگرا در گیر قیل و قال های مکتبی بین خودشان و یا بحث ایدئولوژیک یا راهیابی های تاکتیکی بودند، گروههای ضد کمونیست راستگرا و ناسیونالیستهای تندرو به شیوه ای خشونت بار دست زدند و در پی هدفهایی چون اهداف آلمان نازی که در آن سالها متداول شده بود، سراسر بر اوضاع چیره شدند. آنان را شاید بتوان انقلابیون اجتماعی بشمار آورد که رد پی استوار ساختن نهادهای ناسیونالیست- امپریالیست بوده اند، و در راه دستیابی به آماج خود از برخی روشنفکران و گروه بیشتری از افسران قدیمی ارتش الهام می گرفته اند.

هر آینه دور از ویژگیهای فرهنگی ژاپن، نظام حاکم و شیوه های رفتاری دولت مصدر کار را در کشور مزبور از جنبه های مختلف بررسی کنیم، همانندی شگفت انگیزی بین ناسیونالیسم-میلیتاریسم ژاپن با فاشیست در اروپای خاوری ف بویژه در رومانی و مجارستان دیده می شود. در این هر دو منطقه شماری از سازمان ها و دسته های فاشیست و بعضاً تروریست با شعارهای مبهم اجتماعی، تحت تاثیر انگیزه های میهن پرستانه افراطی (شونونیزم) به یک سلسله اقدامات تندخویانه متوسل می شدند. در حالیکه، دست اندرکاران دستگاه امنیت و کارگزاران دولت رفتارهای ناپسند و بزهکارانه آنان را نادیده می گرفتند و دستگاه دادگستری نیز رویهمرفته در کیفر دادن تروریستها و خشونت گرایان ساده انگاری و گذشت روا می داشت!

گروه های اجتماعی یاد شده که دارای آرمانها و اهداف متفاوت بودند، با برخورداری از چشم پوشی و گاه کمکهای غیر مستقیم (و در مواردی مستقیم) نهادهای نگهدارنده نظم عمومی و مراجع قضایی، فرصت می یافتند که بار سر دادن شعارهای میهن گرایانه توده پسند، همواره برای روشنفکران چپگرا و کمونیستهای ژاپن ایجاد مزاحمت و در دسر کنند.

تهیه و تنظیم از احسان دشتی